

چه عواملی غفلت از هدف آفرینش را تقویت می‌کند و راهکارهای عملی مقابله با آن چیست؟

Mentazer Mentazer

چگونه غفلت از هدف آفرینش زندگی بشر را به پوچی و سردرگمی می‌کشاند؟

غفلت از هدف آفرینش و فلسفه زندگی انسانی یکی از بزرگترین مشکلات و بحران‌های بشر است. همه ما در طول روز انرژی و زمان قابل توجهی برای هدف‌های کوچک و بزرگ صرف می‌کنیم؛ یک دانش‌آموز برای نمره خوب درس می‌خواند، یک ورزشکار برای کسب مدال تمرین می‌کند و یک هنرمند برای خلق اثر هنری تلاش می‌کند؛ اما وقتی از خود می‌پرسیم «هدف نهایی ما از زندگی چیست؟»، خیلی وقت‌ها پاسخی روشن و جدی نداریم. درست مثل کسی که پشت فرمان نشسته و کیلومترها رانندگی می‌کند، اما مقصد را نمی‌داند؛ حرکت وجود دارد، اما سرانجام و نتیجه‌ای در کار نیست.

وقتی از مقصد اصلی و غایت خلقت خود غافل می‌شویم، حتی موفقیت‌های ظاهری هم به ما آرامش نمی‌دهند. کسی که تمام ارزش خود را در شغل، مدرک یا دارایی خلاصه کرده، با یک شکست یا از دست دادن آن‌ها احساس پوچی می‌کند. خانواده‌ای که همه برنامه‌ریزی‌هایش فقط برای رفاه ظاهری است، روزی متوجه می‌شود که معنا و جهت را در زندگی گم کرده است. به همین دلیل در جامعه امروز، با وجود پیشرفت در تمام زمینه‌ها، بسیاری از افراد دچار سردرگمی و خستگی روحی هستند. قرآن کریم هدف آفرینش انسان را بندگی خداوند و رسیدن به قرب الهی معرفی می‌کند؛ بنابراین کسی که این هدف را فراموش کند و فقط به اهداف کوتاه‌مدت و گذرا دل ببندد، ناگزیر دچار سردرگمی و پوچی خواهد شد.

غفلت از هدف آفرینش یک مسأله فردی و درونی نیست. وقتی انسان چرایی خلقت و مقصد نهایی را از یاد ببرد، همه انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، رفتارها، افکار و برنامه‌ریزی‌های روزانه او تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در سطحی گسترده‌تر، این غفلت در خانواده و جامعه نیز نمود پیدا خواهد کرد. وقتی نظام آموزشی، رسانه‌ها و فرهنگ عمومی هدف اصلی را فراموش کنند، انسان‌هایی در جامعه ساخته می‌شوند که مهارت و تخصص دارند،

اما دچار ضعف و بحران هویتی هستند.

به همین دلیل می‌توان گفت غفلت از هدف آفرینش ریشه‌ای است که شاخه‌های آن در کار، تحصیل، روابط خانوادگی، نوع مصرف، تفریح و حتی نگاه به آینده دیده می‌شود؛ در نتیجه سبک زندگی فرد غافل با **سبک زندگی** انسانی که مقصد آفرینش را به یاد دارد، کاملاً متفاوت خواهد بود. اولی درگیر رقابت‌های بی‌پایان و نگرانی‌های ماندگار است و دومی حتی کارهای ساده روزانه مثل درس خواندن، کار کردن یا رسیدگی به خانواده را هم در مسیری معنادار و الهی قرار می‌دهد.

ابعاد مختلف غفلت از هدف آفرینش

غفلت همیشه یک بی‌خبری زودگذر و لحظه‌ای نیست. گاهی آن قدر ریشه‌دار و پایدار می‌شود که به یک عادت ذهنی و رفتاری تبدیل می‌گردد. در این حالت انسان شاید در ظاهر مشغول فعالیت‌های جدی و سنگین باشد، اما در باطن از این سؤال اساسی فاصله گرفته است که «این کار برای چه انجام می‌شود و قرار است مرا به کجا برساند؟» همین فاصله گرفتن از پرسش‌های اصلی و بنیادی، به تدریج ما را از مسیر اصلی منحرف می‌کند.

برای فهم بهتر می‌توان سه لایه از غفلت را در نظر گرفت:

• غفلت سطحی

این نوع غفلت بیشتر لحظه‌ای است و به سرعت آشکار می‌شود؛ مثل دانش‌آموزی که سر جلسه امتحان ذهن و حواسش به موضوعی دیگر پرت می‌شود و تمرکزش را از دست می‌دهد. این نوع غفلت به خاطر ضعف توجه رخ می‌دهد، موقتی است و معمولاً با بازگشت ذهن به کار اصلی جبران می‌شود.

• غفلت عمیق

در این نوع غفلت فرد در کلیت زندگی از یاد هدف آفرینش دور می‌شود و مسیر زندگی را بدون توجه به غایت خلقت خود ادامه می‌دهد. ممکن است فرد سال‌ها در حال تلاش و فعالیت باشد، درس بخواند،

شغل و جایگاه به دست آورد، خانواده تشکیل دهد و حتی موفقیت‌های متعددی تجربه کند، اما هیچ‌گاه از خود نپرسد که نتیجه همه این‌ها چه نسبتی با هدف خلقت انسان در زندگی دارد؟ این غفلت خطرناکتر است؛ چون فرد احساس می‌کند در حال پیشرفت است، درحالی‌که مسیر او شاید کاملاً بی‌ارتباط با مقصد اصلی باشد. قرآن درباره این افراد هشدار داده و می‌فرماید: «بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم از جهت عمل آگاه کنم؟ آنان کسانی هستند که کوشششان در زندگی دنیا به هدر رفته و گم شده است، درحالی‌که خود می‌پندارند خوب عمل می‌کنند.»^۲

• غفلت ساختاری

این مرحله از همه پیچیده‌تر است. در اینجا نه فقط فرد، بلکه کل جامعه هم بر اساس فراموشی و غفلت از هدف آفرینش شکل می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای یاد مقصد اصلی در حاشیه قرار می‌گیرد و ارزش‌ها، نظام‌های آموزشی، رسانه‌ها و حتی الگوهای مصرف به شکلی طراحی می‌شوند که انسان را سرگرم امور جزئی و رقابت‌های ظاهری می‌کنند و فرصت اندیشیدن به هدف اصلی زندگی را از او می‌گیرند. قرآن کریم این حالت را چنین توصیف می‌کند: «مباهات و افتخار بر یکدیگر به ثروت و کثرت نفرات، شما را از پرداختن به تکالیف دینی و یاد آخرت بازداشت، تا جایی که گورها را دیدار کردید و به تعداد مردگان هم به یکدیگر مباهات و افتخار نمودید.»^۳ یعنی غفلت از هدف آفرینش در سطح اجتماعی به‌گونه‌ای ریشه می‌دواند که رقابت‌های دنیوی جایگزین یاد مقصد نهایی می‌شوند.

برای نمونه، بسیاری از نظام‌های آموزشی امروز به جای اینکه نوجوان و جوان را به تفکر درباره چرایی زندگی و هدف غایی انسان سوق دهند، فقط او را برای قبولی در آزمون‌ها و ورود به بازار کار آماده می‌کنند. رسانه‌ها نیز با سرگرمی و تبلیغات پی‌درپی، ذهن را از سؤالات اساسی دور می‌کنند؛ سؤالاتی مانند اینکه «من برای چه آفریده شده‌ام؟»، «کمال نهایی انسان چیست؟»، «ارتباط کارهای روزمره من با هدف خلقت چیست؟» این پرسش‌ها به قدری مهم هستند که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که

^۲ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا. الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُخْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛ سوره کهف، آیات ۱۰۳ و ۱۰۴
^۳ أَلْهَأْتُمُ النَّكَارَ، حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ؛ سوره تکوین، آیات ۱ و ۲

می‌داند از کجا آمده، در کجا هست و به کجا می‌رود.»^۴

شناخت این سه لایه از غفلت کمک می‌کند بفهمیم چرا بعضی افراد یا جوامع، با وجود رفاه و پیشرفت، همچنان گرفتار پوچی و نارضایتی هستند؛ زیرا مشکل فقط در کمبود امکانات یا ضعف فردی نیست؛ بلکه ریشه در **خودفراموشی** و غفلت از هدف آفرینش دارد. فردی که فقط درگیر غفلت سطحی است، با کمی تمرکز و یادآوری می‌تواند به مسیر درست برگردد. اما غفلت عمیق نیازمند بازتعریف اصول و باورها و تفکر جدی در کل مسیر زندگی است؛ اگر غفلت ساختاری بر جامعه حاکم شود، آگاهی فردی نیز دشوار خواهد شد، مگر اینکه با تکیه بر آموزه‌های الهی و سبک زندگی انسانی، انسان بتواند دوباره به ریشه و حقیقت خود و هدف خلقت خویش بازگردد.

گام‌های عملی برای مقابله با غفلت از هدف آفرینش

آفرینش انسان بر اساس هدف و مقصدی روشن شکل گرفته است. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «من جن و انس را نیافریدم جز برای عبودیت»^۵ غفلت از هدف آفرینش به معنای دور شدن از این مقصد و قطع ارتباط انسان با حقیقت وجودی خویش است؛ اما انسان به‌گونه‌ای آفریده شده که همیشه می‌تواند مسیر خود را بازبینی کند و دوباره به یاد مقصد اصلی بیفتد. همان‌طور که راننده‌ای در جاده، اگر مسیر را اشتباه برود، با نگاه دوباره به نقشه می‌تواند راه درست را پیدا کند، انسان هم از طریق **معرفت نفس** و انتخاب‌های آگاهانه می‌تواند از غفلت فاصله بگیرد.

در ادامه برای نمونه، به چند گام عملی که به کاهش غفلت از هدف آفرینش کمک می‌کند، اشاره می‌کنیم.

• گام اول؛ یادآوری مستمر هدف خلقت

این یادآوری تنها با خواندن یک متن یا شنیدن یک سخنرانی به دست نمی‌آید؛ بلکه باید به تمرینی روزانه

^۴ رَجِمَ اللَّهُ لِمْرَةٍ ... عَلِمَ مِنْ آيِنٍ وَ فِي آيِنٍ وَ إِلَى آيِنٍ؛ فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامة، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۱۶
^۵ وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ سوره داریات، آیه ۵۶

تبدیل شود. برای نمونه، هر شب می‌توان دقایقی را در خلوت و سکوت به این سؤال فکر کرد: «امروز کدام کار من در راستای هدف خلقت بود و کدام کارم بی‌ارتباط یا حتی مخالف آن بود؟» همین بازنگری ساده، به مرور زمان مسیر زندگی و نظام اندیشیدن ما را تغییر می‌دهد. این امر همان **محاسبهٔ نفس** است که در آموزه‌های دینی تأکید فراوانی بر آن شده است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «چقدر سزاوار است که انسان ساعتی از روز را فقط به حسابرسی نفس خود اختصاص دهد و ببیند که در شبانه‌روز چه کارهایی به سود یا زیان خود انجام داده است.»^۶

• گام دوم؛ بازسازی معیارها در سبک زندگی

سبک زندگی فقط با اصلاح جزئیات ساخته نمی‌شود؛ بلکه با تغییر معیارها امکان‌پذیر است. معیار اصلی در انتخاب شغل، تحصیل و روابط اجتماعی باید این باشد که این امور تا چه اندازه ما را به خداوند و هدف خلقت نزدیک می‌کنند. در گام عملی برای بازسازی معیارها، می‌توانیم پیش از هر انتخاب از خود پرسیم: «این انتخاب مرا به هدف خلقت نزدیکتر می‌کند یا دورتر؟» چنین معیاری هم رفتار فردی را تغییر می‌دهد و هم به تدریج خانواده و محیط اطراف را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

• گام سوم؛ انتخاب همنشین‌های آگاه و جمع‌های مؤمنانه

زندگی انسان بدون ارتباط جمعی ممکن نیست؛ اگر انسان در میان دوستان و محیطی قرار بگیرد که غفلت را تقویت می‌کنند، حتی اگر خودش بخواهد آگاه بماند، احتمال سست شدنش زیاد است. اما بودن در کنار افرادی که به هدف خلقت توجه دارند، انسان را در مسیر نگه می‌دارد و انگیزهٔ او برای حرکت در مسیر درست را زنده می‌کند. خانواده، نهادهای تربیتی و فرهنگ عمومی باید بر اساس یاد مقصد آفرینش بازسازی شوند. جامعه‌ای که یاد خدا در آن کم‌رنگ باشد، افراد آن در برابر غفلت ساختاری آسیب‌پذیر خواهند بود.

^۶ ما أحقُّ الإنسان أن يكون له ساعة لا يشغلها عنها شاعِلٌ يحاسبُ فيها نفسه فينظرُ فيما اكتسبَ لها وعلَّيها في ليلها و نهارها؛ التميمي الآمدي، عبدالواحد بن محمد، غررالحكم و دررالکلم، ج ۱، ص ۶۹۸

• گام چهارم؛ مراجعه به منابع اصیل معرفتی

منابع اصیل معرفتی مانند قرآن، سنت نبوی، سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) و اولیای الهی مانند نقشه راه و چراغ هدایت، مسیر حرکت انسان به سوی مقصد را روشن می‌کنند و مانع غفلت از هدف آفرینش می‌شوند.

توجه به هدف خلقت به معنای ترک دنیا نیست، بلکه قرار دادن دنیا در خدمت آخرت است. یاد هدف نهایی باعث می‌شود حتی کوچکترین کارهای روزمره رنگ و بوی ابدی بگیرد و انسان را به جایگاه واقعی خود بازگرداند. یادآوری هدف خلقت، محاسبه نفس، اصلاح معیارها و برقراری ارتباط با جمع‌های مؤمنانه همگی راه‌هایی هستند که انسان را از غفلت می‌رهانند و زندگی او را در مسیر هدف آفرینش قرار می‌دهند.

به نظر شما بزرگترین عامل غفلت از هدف آفرینش در زندگی امروز انسان چیست؟ سرگرمی‌ها و مشغله‌های روزمره؟ فشارهای اقتصادی و معیشتی؟ فرهنگ مصرف‌گرایی و تبلیغات؟ یا کم‌رنگ شدن باورهای دینی و معنوی؟ دیدگاه خود را در بخش نظرات با ما در میان بگذارید.